

شناسایی آسیب‌های تعاملی زوجین و خانواده همسر و پیامدهای آن: پژوهش کیفی

سیمین قاسمی^۱، عذرا اعتمادی^۲، سید احمد احمدی^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: هدف از انجام پژوهش حاضر، شناسایی آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانواده همسر و پیامدهای آن بر زندگی فردی و خانوادگی زوجین بود.

روش: این تحقیق به روش کیفی انجام شد. ۱۴ زن و ۱۳ مرد که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند، در تحقیق مشارکت داشتند. ابزار پژوهش، مصاحبه نیمه ساختار یافته بود و داده‌ها به روش تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: آسیب‌های روابط زوجین با خانواده همسر در قالب طبقات «مرزبندی نادرست، تفاوت‌ها، وابستگی، انتظارات و توقعات، توزیع نامتوازن قدرت، عدم پذیرش عروس/ داماد و روحیات ناپسند اخلاقی» استخراج گردید. همچنین، پیامدهای شناختی، عاطفی و رفتاری آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانواده همسر، رابطه زوجین با خانواده همسر، رابطه زوجین با یکدیگر و زندگی شخصی هر یک از زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث کاهش سلامت جسمی و روحی هر یک از زوجین می‌شود.

نتیجه‌گیری: بهبود روابط زوجین و خانواده‌ها می‌تواند کمک بزرگی در جهت پایداری روابط زوجین و خانواده همسر، افزایش رضایتمندی زناشویی و ارتقای سلامت جامعه نماید.

کلید واژه‌ها: آسیب‌های تعاملی، زوجین، خانواده همسر

ارجاع: قاسمی سیمین، اعتمادی عذرا، احمدی سید احمد. شناسایی آسیب‌های تعاملی زوجین و خانواده همسر و پیامدهای آن: پژوهش کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت ۱۳۹۵؛ ۵ (۳): ۲۶۲-۲۵۰.

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۱۸

۱- دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲- دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳- استاد، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

Email: ghasemi.s77@gmail.com

نویسنده مسئول: سیمین قاسمی

مقدمه

به دلیل ویژگی‌های خاص فرهنگی و دینی جامعه ایرانی، رابطه فرزندان با والدین از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و این رابطه پس از ازدواج فرزندان نیز ادامه می‌یابد و همین امر، باعث ایجاد رابطه نزدیکی بین زوجین و خانواده همسر می‌شود. یکی از عوامل ایجاد موفقیت زندگی خانوادگی، ارتباط مناسب بین زوجین و خانواده همسر است. این ارتباط به حفظ بهداشت روانی، وجود تنوع در زندگی، رشد و بالندگی اجتماعی، برخورداری از حمایت‌های خویشاوندان، سبک‌باری، امنیت خاطر، بهره‌مندی از تجربه بزرگ‌ترها و ایجاد تعادل در خانواده می‌انجامد، اما گاهی بروز مشکلات و مسایل گوناگون، باعث قطع ارتباط طرفین با یکدیگر می‌شود که پیامدهایی مانند افزایش نگرانی در خانواده همسران، افزایش تنش میان همسران، ظهور و بروز علایم افسردگی، کاهش برخورداری از حمایت‌های خویشاوندان، نقصان در تربیت اجتماعی و عاطفی فرزندان، پیدایش احساس بدبینی در همسر و فرزندان نسبت به والد منع‌کننده از ارتباط را به دنبال خواهد داشت (۱).

بر اساس اصول یادگیری نظریه شناختی- رفتاری، هر یک از همسران باورها و طرح‌واره‌هایی درباره ارتباطات و پیوندهای خانوادگی دارند که آن‌ها را بر پایه پیوند با خانواده اصلی‌شان آموخته‌اند. در کشور ما بسیاری از اعتقادات و باورهای نادرست افراد درباره خانواده همسر و عروس و داماد به همین طریق در ذهن افراد شکل می‌گیرد و در تعاملاتشان با یکدیگر، پاسخ‌های هیجانی و رفتاری خاصی را به همراه می‌آورد و گاهی باعث کدر شدن روابط زوجین و خانواده همسر می‌شود. پس از به وجود آمدن مشکل، در مرحله حل مسأله هم اگر افراد برای برخورد کردن با مشکلات رفتاری عادی، راهبردهای بی‌حاصلی را یاد بگیرند، احتمال دارد مرتکب اشتباهات جدی شوند که منجر به ناکامی، افسردگی و ناراحتی‌های هیجانی دیگر خواهد شد (۲) و به همین ترتیب مشکلات زیاد و زیادتر می‌شوند.

در رویکرد خانواده درمانی تجربه‌نگر نمادی Whitaker، بدکارکردی خانواده هم از جنبه ساختاری و هم از جنبه فرایندی مورد توجه قرار می‌گیرد (۳). از لحاظ ساختاری،

مرزبندی نامناسب بین زوجین و خانواده همسر، باعث عملکرد ناکارآمد خرده نظام‌ها، تبانی‌های مخرب، انعطاف‌ناپذیری نقش‌ها و جدایی نسل‌ها از هم می‌شود. مرزبندی نامشخص، دست دیگران را برای دخالت‌های افراطی باز می‌گذارد و مرزبندی خشک و انعطاف‌ناپذیر باعث دوری زوجین از خانواده‌ها و قطع پیوندهای عاطفی می‌شود. Whitaker معتقد است که افراد در خانواده سه نسلی، باید در عین احساس با هم بودن، احساس جدایی نیز داشته باشند و خود را مقید به پیروی سالم نیز بدانند (۴). از جنبه فرایندی نیز ناتوانی طرفین در مذاکره و حل مسالمت‌آمیز مشکلات، باعث از بین رفتن اعتماد و صمیمیت، افزایش سوء تفاهم‌ها، احساسات بیان نشده، بدگویی، غیبت و مغشوش‌تر شدن روابط بین زوجین و خانواده همسر می‌شود.

در دیدگاه خانواده درمانی بین نسلی، افرادی که تمایز یافتگی اندکی دارند، کسانی هستند که عقل و عاطفه‌شان چنان در هم آمیخته است که زندگی‌شان تحت اختیار احساسات اطرافیان‌شان قرار دارد. در نتیجه، به سادگی دچار بدکارکردی می‌شوند. آن‌ها به دلیل این که اشخاصی ترسو و به لحاظ عاطفی نیازمند هستند، فردیت خود را فدای کسب اطمینان از سوی دیگران می‌کنند (۳). افرادی که از تمایز یافتگی بالایی برخوردار هستند، از احساسات خویش آگاه می‌باشند و درباره آنچه برایشان بهترین است، می‌اندیشند نه درباره دست یافتن به آمال و امیال دیگران و یا تلاش برای نفوذ بر سایر افراد (۴). این افراد به دلیل سعادت زناشویی، خشنودی والدین، دستیابی به هماهنگی خانواده و یا به علت زور، دست به مصالحه بر سر هویت خویش نمی‌زنند (۳). همسری که تمایز یافتگی اندکی دارد، ممکن است خانواده خود را در مسایل زناشویی‌اش دخالت دهد که این امر نه تنها می‌تواند باعث ایجاد مشکلاتی بین زوجین شود، بلکه می‌تواند در روابط زوجین با خانواده همسر نیز اختلال ایجاد کند. نظریه شبکه با تأکید بر روابط زوجین و شبکه خویشاوندی، معتقد است که هرچه رابطه بین شبکه کمتر و سست‌تر باشد، زوجین وظایف خود را بهتر انجام می‌دهند. بنابراین، اگر شبکه قوی باشد، زوجین نمی‌توانند خودشان تصمیمات لازم را اتخاذ

دید و به دنبال آن، مشکلات بسیاری برای جامعه و کشور به وجود می‌آید. تحقیقات فراوانی جهت بررسی عوامل مؤثر در طلاق در سراسر کشور انجام شده است که دخالت خانواده همسر، اقوام و خویشان را عامل بسیار مهمی در فروپاشی قانون خانواده دانسته‌اند (۱۲، ۱۱). با توجه به اهمیت روابط خانوادگی در جامعه ایرانی و پیامدهای نامطلوب روابط نامناسب زوجین و خانواده همسر برای خانواده‌ها و جامعه و همچنین، با توجه به فقدان تحقیقات جامع درباره جنبه‌های مختلف روابط زوجین و خانواده همسر، تحقیق حاضر با هدف بررسی موشکافانه این روابط، شناسایی آسیب‌ها و تأثیر آن‌ها بر رابطه زوجین و خانواده همسر، بر رابطه بین زوجین و زندگی فردی هر یک از همسران انجام شد.

روش

این پژوهش از نوع کیفی بود و به روش تحلیل محتوا انجام گرفت. تحلیل محتوا یکی از رویکردهای تحقیقی است که به منظور تفسیر واحدهای معنای پنهان در محتوای مکتوب به کار می‌رود. در این رویکرد، اعتقاد بر این است که تعداد زیادی از واژه‌ها در گروه‌های محتوایی مترادف‌تر طبقه‌بندی و طی فرایند طبقه‌بندی سیستماتیک، کدها، طبقات و زیرطبقات شناسایی می‌شوند (۱۳).

جامعه تحقیق حاضر شامل همه زوجین شهر اصفهان در سال ۱۳۹۱ بود. معیارهای ورود به پژوهش، گذشت حداقل پنج سال از ازدواج، در قید حیات بودن والدین همسر، صاحب عروس یا داماد نبودن و سکونت خود و خانواده همسر در شهر اصفهان بود. در تحقیق حاضر، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد؛ بدین ترتیب که با حضور در چهار مرکز فرهنگی - تفریحی واقع در شرق، غرب، شمال و جنوب شهر اصفهان که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند و انجام یک مصاحبه مقدماتی (که شامل توضیح اهداف تحقیق و بررسی مقدماتی رضایت فرد از ارتباط خود با خانواده همسر بود)، با افراد متأهلی که در این مکان‌ها حضور داشتند، از بین کسانی که از رابطه خود با خانواده همسرشان ناراضی بودند و سابقه استفاده از مواد مخدر، الکل و داروهای روانی نداشتند و

کنند؛ چرا که باید بر اساس شرایط و روابط شبکه عمل نمایند و دخالت دیگران را در زندگی خود قبول کنند. این مسأله می‌تواند زمینه بروز اختلافات در خانواده را به وجود آورد و در نتیجه دخالت دیگران، خانواده دچار انحلال می‌شود (۵).

نتایج تحقیق زارعی نشان داد که ۳۷ درصد از علت اختلاف زوجین (از نظر زنان) به خود (زن) و همسر (شوهر) برمی‌گشت و ۵۲ درصد علت اختلافات به دخالت خانواده شوهر در زندگی زوجین مربوط می‌شد (۶). نتایج مطالعه رحمت‌الهی حاکی از آن بود که زوجین دارای سابقه ۵-۱ سال ازدواج، بیش از زوجین با سابقه ۱۵-۱۱ سال ازدواج مشکلاتی مانند دخالت خانواده اصلی، مشکلات اقتصادی، مسکن و تفاوت‌های فرهنگی را تجربه می‌کنند (۷). پژوهش نوابی‌نژاد نزدیکی و وابستگی عاطفی زن و مرد به خانواده‌هایشان یا یکی از دو خانواده و یا دوری و قطع ارتباط با هر یک از خانواده‌ها و داشتن نگرش خصمانه نسبت به آن‌ها را جزء یکی از عوامل اختلال‌زا در سازگاری زناشویی طبقه‌بندی کرد (۸). بسیاری از تغییرات در خانواده همسر همچون فقر، ورشکستگی، بیماری و یا فوت، می‌تواند کیفیت روابط زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد. Umberson در تحقیق خود نشان داد که مرگ والدین، تأثیر منفی بر کیفیت روابط زناشویی می‌گذارد (۹). وابستگی بیش از حد هر یک از زوجین به خانواده‌اش، این فرصت را به والدینش می‌دهد تا با مداخلات بیشتر باعث پایین آمدن رضایت زناشویی شوند. در پژوهش Haws و Mallinckrodt، سطح تمایز یافتگی از خانواده اصلی و سازگاری زناشویی زوج‌های جوان بررسی شد (۱۰). یافته‌های آن‌ها نشان داد که با افزایش سطح تمایز یافتگی و استقلال از خانواده اصلی، رضایت زناشویی بالاتر می‌رود و دیگر این که وابستگی شوهر به والدینش بیشتر از وابستگی زن به والدینش موجب ناسازگاری و اختلافات زناشویی می‌شود (۱۰).

ارتباط ناسالم بین زوجین و خانواده همسر، می‌تواند سایر جنبه‌های زندگی آن‌ها و خانواده‌ها را نیز تحت تأثیر قرار دهد که از آن جمله می‌توان به ایجاد اختلال در روابط زوجین و حتی طلاق و جدایی آن‌ها اشاره کرد و در این بین نه تنها زوجین، بلکه فرزندان و خانواده‌های آن‌ها هم آسیب خواهند

مجزا دسته‌بندی گردید. کدگذاری‌ها و طبقه‌بندی‌های انجام شده توسط همکاران محقق مورد بازبینی قرار گرفت و پس از تطبیق با پیشینه نظری و پژوهشی تحقیق و اعمال تغییرات لازم، کدگذاری و طبقه‌بندی نهایی صورت گرفت.

برای افزایش قابلیت پذیرش داده‌ها، درگیری طولانی مدت پژوهشگر با موضوع پژوهش و اختصاص زمان کافی برای جمع‌آوری داده‌ها (۹ ماه)، حفظ شد. همچنین، سعی گردید حداکثر تنوع ویژگی‌های جمعیت‌شناسی (سن، تحصیلات و مدت زندگی مشترک) در نظر گرفته شود. به منظور انطباق مفاهیم با نظر شرکت کنندگان، متن کامل سه مصاحبه کدگذاری شده در اختیار آن‌ها قرار گرفت و از آن‌ها نظرخواهی شد. برای ارزیابی قابلیت اعتماد داده‌ها، متن مصاحبه‌ها پس از گذشت چند روز دوباره توسط محقق مطالعه و کدگذاری و نتایج با کدگذاری‌های قبلی مقایسه شد. همچنین، بخش‌هایی از نوار و متن مصاحبه‌ها به همراه کدها، زیرطبقه‌ها و طبقه‌های استخراج شده مورد ارزیابی همکاران محقق و دو نفر از ناظران خارج از تیم تحقیق و آشنا به روش تحقیق کیفی قرار گرفت و با تأیید کدگذاری‌ها و طبقه‌بندی‌های انجام شده، قابلیت اعتماد داده‌ها مورد قبول قرار گرفت.

یافته‌ها

آسیب‌های موجود در روابط زوجین و خانواده همسر، مجموعه عواملی هستند که باعث ایجاد تعارض و اختلاف بین زوجین و خانواده همسر می‌شود و سازگاری بین آن‌ها را کاهش می‌دهد. در تحقیق حاضر پس از تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده، آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانواده همسر در ۷ طبقه و ۱۸ زیرطبقه دسته‌بندی گردید که در جدول ۱ ارایه شده است.

بر اساس یافته‌های به دست آمده، آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانواده همسر در ۷ طبقه دسته‌بندی شد که شامل «مرزبندی نادرست، انتظارات و توقعات، تفاوت‌ها، عدم پذیرش عروس/ داماد، وابستگی، توزیع نامتوازن قدرت و روحیات اخلاقی ناپسند» بود. در ادامه به جهت روشن‌سازی هر آسیب، به بخش‌هایی از اظهارات زوجین در خصوص رابطه خود با خانواده همسر اشاره می‌شود.

حاضر به همکاری با محقق بودند، نمونه‌گیری آغاز گردید و تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. در مجموع ۱۴ زن و ۱۳ مرد در تحقیق حاضر شرکت نمودند. میانگین سنی زنان و مردان به ترتیب $33/10 \pm 6/14$ و $37/14 \pm 7/35$ سال بود. میانگین مدت ازدواج در زنان $8/7$ سال و در مردان $9/6$ سال به دست آمد. زنان دارای میانگین تحصیلات $14/58$ سال و مردان دارای میانگین تحصیلات $14/42$ سال بودند.

ابزار پژوهش، مصاحبه نیمه ساختار یافته‌ای بود که سوالات آن با بررسی پیشینه نظری و پژوهشی مرتبط با موضوع تحقیق که از بین کتب و مجلات داخلی مربوط به خانواده و خانواده درمانی منتشر شده طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ و کتب و مجلات خارجی منتشر شده طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، پایان‌نامه‌ها و مقالات انتخاب شد. مستندات موجود در پایگاه‌های علمی شامل SID، Magiran، Irandoc و ISI که با توجه به کلید واژه‌های خانواده، خانواده همسر، آسیب‌شناسی خانواده، خانواده درمانی و Family therapy و Family in law جستجو گردید و با هدف بررسی آسیب‌های ارتباطی زوجین با خانواده همسر و پیامدهای آن، تهیه و تنظیم شد و توسط پنج نفر از استادان مشاوره خانواده دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان مورد ارزیابی، تصحیح و تأیید قرار گرفت. مصاحبه‌ها با اجازه مشارکت کنندگان ضبط شد و در اولین فرصت بعد از چندین بار گوش دادن، ابتدا دست‌نویس و با مصاحبه ضبط شده انطباق داده شد و سپس تایپ گردید. هر مصاحبه ۴۵ دقیقه به طول انجامید که با توجه به سطح همکاری مشارکت کنندگان، بیشتر یا کمتر می‌شد. تحلیل داده‌ها در طول جمع‌آوری داده‌ها انجام شد؛ بدین صورت که ابتدا هر مصاحبه مورد تحلیل قرار گرفت و سپس مصاحبه بعدی انجام گردید. برای تحلیل و کدگذاری هر مصاحبه، ابتدا مصاحبه‌های تایپ شده چندین بار به دقت مطالعه و مفاهیم اصلی در قالب کدهای اولیه مشخص گردید. سپس با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های کدهای مشخص شده، کدهای مشابه ادغام و زیرطبقه‌ها تشکیل شد. در مرحله بعد دوباره با بررسی تشابهات و تفاوت‌ها، زیرطبقه‌های مشخص شده در طبقات

جدول ۱. آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانواده همسر

طبقه‌ها	زیرطبقه‌ها	کدها
مرزبندی نادرست	دخالت	دخالت در امور اقتصادی زوجین دخالت در امور تفریحی زوجین دخالت در امور شخصی زوجین دخالت در فرزندپروری زوجین دخالت در تصمیم‌گیری‌های زوجین
	عدم مرزبندی در مشکلات و مسایل	وارد کردن مشکلات زندگی خود در زندگی زناشویی زوجین توسط خانواده همسر مطرح شدن مشکلات و مسایل زندگی زوجین برای خانواده همسر توسط همسر
	مرزبندی نامناسب در ارتباطات	رفت و آمدهای زیاد و بی‌برنامه قطع ارتباط زوجین و خانواده همسر عدم رعایت حریم خصوصی زوجین عدم رعایت آداب معاشرت
انتظارات و توقعات	انتظارات مالی	انتظارات نابجای خانواده همسر از خانواده عروس/ داماد در مسایلی مانند مسکن، جهیزیه، مراسم ازدواج و...
	انتظارات عاطفی و رفتاری	انتظار نابجای مالی خانواده همسر از فرزندان انتظار نظرخواهی از خانواده همسر در همه تصمیم‌گیری‌های زوجین انتظار عمل به همه توصیه‌های خانواده همسر از طرف زوجین انتظار برخورداری از توجه و مراقبت فوق‌العاده از طرف زوجین انتظار از زوجین که مطابق میل و سلیقه خانواده همسر رفتار و زندگی کنند.
تفاوت‌ها	تفاوت‌های اقتصادی	تفاوت در طبقه اقتصادی تفاوت در رفتارهای اقتصادی
	تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی	تفاوت در آداب و رسوم تفاوت در گویش و رفتار تفاوت در پوشش تفاوت در سبک زندگی تفاوت در اعتقادات مذهبی تفاوت در رفتارهای مذهبی
عدم پذیرش عروس/ داماد	بی‌علاقگی نسبت به عروس/ داماد	عدم توافق خانواده همسر با ازدواج زوجین نپذیرفتن عروس/ داماد در جمع خانوادگی طرد همسر از طرف خانواده‌اش به دلیل ازدواج با کسی که مورد توافق آن‌ها نبوده است. بی‌اعتنایی به نوه‌ها به دلیل نارضایتی از ازدواج زوجین بی‌اعتنایی خانواده همسر نسبت به مسایل و مشکلات خانوادگی و اقتصادی زوجین
	تمایل به جدایی زوجین	به رسمیت نشناختن ازدواج زوجین تشویق فرزند به طلاق در نظر گرفتن فرد دیگری برای ازدواج مجدد با فرزندان
وابستگی	وابستگی مالی	وابستگی مالی همسر به خانواده‌اش وابستگی مالی خانواده همسر به فرزندان
	وابستگی عاطفی	وابستگی عاطفی همسر به خانواده‌اش وابستگی عاطفی خانواده همسر به فرزندان
	وابستگی فکری	وابستگی همسر به خانواده‌اش در تصمیم‌گیری‌ها وابستگی همسر به خانواده‌اش در رفع مشکلات زندگی زناشویی
توزیع نامتوازن قدرت	اعمال قدرت در تصمیم‌گیری‌های زوجین	تصمیم‌گیری خانواده همسر درباره زوجین ناتوانی همسر در سرپیچی از تصمیم‌گیری‌های خانواده‌اش
	اعمال قدرت در زندگی زناشویی فرزند	تسلط کامل خانواده همسر بر رفتار و گفتار همسر تحمیل خواسته‌ها و نیازهای خانواده همسر بر زوجین

جدول ۱. آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانواده همسر (ادامه)

طبقه‌ها	زیرطبقه‌ها	کدها
روحیات اخلاقی ناپسند	حسادت	حسادت خانواده همسر به رابطه عاطفی زوجین حسادت خانواده همسر نسبت به رابطه فرزندشان با خانواده عروس / دامادشان حسادت نسبت به شرایط و امکانات زوجین
	کینه‌توزی و دشمنی	غیبت و بدگویی تهمت زدن توهین و تحقیر مقایسه‌های منفی سرزنش
	ایجاد اختلاف در روابط زوجین	شکایت مداوم خانواده همسر از عروس / داماد به فرزند بزرگ جلوه دادن کاستی‌ها و اشتباهات عروس / داماد مقابل همسرش طرفداری خانواده همسر از فرزندشان در اختلافات زناشویی

مرزبندی نادرست: یکی از آسیب‌های عمده‌ای که

روابط زوجین با خانواده همسر را تهدید می‌کند، عدم مرزبندی مناسب بین خرده نظام‌های زوجین و خانواده همسر است که شامل «دخال، عدم مرزبندی در مسایل و مشکلات و مرزبندی نامناسب در ارتباطات» بود.

«مادر و خواهرش در همه امور زندگی ما دخالت می‌کنند. از دخل و خرج ما گرفته تا محل زندگی و دکوراسیون خانه و رفت و آمد و مهمانی و مسافرت...».

«مدام تو زندگی ما سرک می‌کشی... دلشون می‌خواد از تمام جزییات زندگی ما باخبر باشن».

«برای کوچک‌ترین مشکلشونم زود زنگ می‌زنند به شوهر من... انگار نه انگار که ما هم زندگی و مشکلات خودمونو داریم».

انتظارات و توقعات: این درون‌مایه در دو زیرطبقه

«انتظارات مالی و انتظارات عاطفی و رفتاری» دسته‌بندی شد و یکی از عواملی است که در روابط زوجین و خانواده همسر اختلال ایجاد می‌کند.

«انتظار دارن هر چی می‌گن، بگیریم چشم... هر جور اونا می‌خوان زندگی کنیم».

«انتظار دارن وقت و بی‌وقت بهشون سر بزنیم».

«فکر می‌کنن من سر گنج نشستم... انتظار دارن تا

یکی شون مشکل مالی پیدا می‌کنه، زود مشکشو رفع کنم».

تفاوت‌ها: یکی از شایع‌ترین آسیب‌های ارتباطی،

تفاوت‌های بین زوجین و خانواده همسر در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و مذهبی بود که توسط زوجین مطرح گردید. «خانواده همسر از لحاظ مذهبی با من و خونوام فرق دارند. همسر من خویبه، ولی خونوادش اعتقادات محکمی ندارند. گاهی هم اعتقادات منو به مسخره می‌گیرند که خیلی اذیت می‌شم... حتی یه بار با هم دعوامون شد».

«از لحاظ اقتصادی خیلی از ما بالاترن... بعضی وقتا با حرفاشون تحقیرم می‌کنن».

«مدام لهجه منو مسخره می‌کنن... یه وقتی واقعا ناراحت می‌شم».

عدم پذیرش عروس / داماد: یکی دیگر از آسیب‌های مطرح شده از طرف زوجین، عدم پذیرش عروس / داماد بود که در «عدم رضایت خانواده همسر به ازدواج زوجین و بی‌اعتنایی به عروس / داماد و نوه‌ها و حتی طرد فرزند و یا تشویق فرزند به طلاق» نمود پیدا کرد.

«از اولم با ازدواج ما موافق نبودند؛ هر کاری کردند که این ازدواج سر نگیره. هیچ وقت منو به عنوان عروسشون قبول نکردند. همین الانم که شش سال از عروسیمون گذشته، همش سعی می‌کنند یه جور بی‌من و شوهرمو به هم بزنند».

وابستگی: این طبقه نشان می‌دهد که وابستگی هر یک از زوجین به خانواده‌اش می‌تواند مالی، عاطفی و یا فکری باشد. در وابستگی مالی، فرد توانایی اداره زندگی خود را ندارد

«مادرش به رابطه منو پسرش حسودی می‌کنه. تا به مدت با شوهرم رابطه خوبی پیدا می‌کنم، به کاری می‌کنه که دوباره بینمونو به هم بزنه. اصلاً نمی‌تونه خوشی مارو تحمل کنه».

«مامانش همش جلوی من می‌شیننه از دوماه خواهرش تعریف می‌کنه و اونو تو سر من می‌زنه».

پیامدهای آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانواده

همسر: آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانواده همسر تبعات و پیامدهایی خواهد داشت که زوجین، فرزندان آن‌ها، خانواده همسران و ارتباطات اجتماعی آن‌ها با سایر اقوام را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در تحقیق حاضر فقط تبعات این معضل خانوادگی بر زوجین مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در سه طبقه «پیامد آسیب‌ها بر رابطه زوجین و خانواده همسر، پیامد آسیب‌ها بر زندگی زناشویی زوجین و پیامد آسیب‌ها بر زندگی فردی زوجین» دسته‌بندی شد (جدول ۲).

آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانواده همسر در درجه اول رابطه زوجین و خانواده همسر و پس از آن، رابطه زوجین با یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در تحقیق حاضر پس از بررسی مصاحبه‌ها، تأثیرات آسیب‌ها بر رابطه زوجین و خانواده همسر و رابطه زوجین با یکدیگر، در سه زیرگروه «شناختی، عاطفی و رفتاری» طبقه‌بندی گردید که در ابتدا به چند نمونه از اظهارات زوجین در خصوص رابطه زوجین با خانواده همسر اشاره می‌شود.

پیامدهای شناختی: «دیگه نمی‌تونم به خونوادش اعتماد کنم. می‌دونم تا به مدت باهاشون رفت و آمد بکنیم، دوباره همون آشه و همون کاسه...».

پیامدهای عاطفی: «خیلی از دستشون ناراحت و عصبانی‌ام... شش سال از بهترین سالای زندگی منو شوهرمو خراب کردن».

پیامدهای رفتاری: «آخر با هم دعوامون شد و تا چند وقتم با هم قهر بودیم».

در بررسی پیامدهای ارتباط ناسالم زوجین و خانواده همسر، بیشترین لطمه متوجه رابطه زوجین با یکدیگر می‌شود. در ادامه به چند نمونه از اظهارات زوجین در این مورد اشاره شده است.

و برای رفع نیازهای زندگی زناشویی، به خانواده خود وابسته است و یا در گرفتاری‌ها و مشکلات مادی به خانواده‌اش وابستگی دارد و بدون کمک آن‌ها نمی‌تواند این مشکلات را رفع کند. شکل دیگر وابستگی، وابستگی عاطفی می‌باشد؛ بدین معنی که یکی از زوجین از لحاظ احساسی و روانی وابستگی زیادی به خانواده‌اش دارد و بسته به درجه این وابستگی، نمی‌تواند مدت زیادی از خانواده‌اش دور باشد و ترجیح می‌دهد بیشتر وقتش را در کنار آن‌ها سپری نماید. وابستگی فکری باعث می‌شود فرد خانواده‌اش را در همه امور زندگی زناشویی دخالت دهد، استقلال رأی نداشته باشد و بدون راهنمایی و هدایت آن‌ها از عهده اداره خود و زندگی زناشویی برنیاید.

«خیلی به مامانش وابسته‌اس... یا می‌خواد بره خونشون یا داره تلفنی با مامانش حرف می‌زنه».

«هر کاری بخواد بکنه، باید اول نظر بابا، مامانشو بپرسه... به ذره استقلال نداره».

توزیع نامتوازن قدرت: بدین معنی که چه کسی تصمیم می‌گیرد و چه کسی تصمیمات را اجرایی می‌کند. بر اساس این تعریف، توزیع نامتوازن قدرت یعنی در اغلب موارد یک نفر تصمیم می‌گیرد و طرف دیگر مجبور است این تصمیمات را اجرایی کند. گاهی در روابط زوجین و خانواده همسر، این خانواده همسر هستند که قدرت را به دست می‌گیرند و زوجین را مجبور می‌کنند طبق میل آن‌ها رفتار کنند و همین امر باعث بروز مشکلات فراوانی در روابط طرفین می‌شود.

«مادرش روی همه خونوادشون تسلط داره... هر کاری می‌گه باید همون بشه و گرنه یا قهر می‌کنه یا جنگ و دعوا راه می‌ندازه».

«جرات نداره بدون اجازه بابا مامانش آب بخوره».

روحیات اخلاقی ناپسند: یکی از مواردی که روابط

زوجین و خانواده همسر را مختل می‌کند، روحیات اخلاقی ناپسند است که شامل «حسادت، کینه‌توزی و ایجاد اختلاف» بود و غیبت، بدگویی، توهین، تحقیر، مقایسه‌های منفی، سرزنش و... همه نمودهای عینی این روحیات می‌باشند.

جدول ۲. پیامدهای آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانواده همسر

کدها	زیرطبقه	طبقه
بی‌اعتمادی نسبت به خانواده همسر بدگمانی نسبت به خانواده همسر دشمن‌پنداری خانواده همسر احساس ناراحتی نسبت به خانواده همسر احساس خشم نسبت به خانواده همسر احساس نفرت نسبت به خانواده همسر احساس ناامیدی نسبت به خانواده همسر کم کردن ارتباط یا قطع ارتباط خود با خانواده همسر ممانعت از ملاقات خانواده همسر با فرزندش و نوه‌هایشان ابراز رفتارهای خشمگینانه نسبت به خانواده همسر مقابله به مثل با خانواده همسر بی‌تفاوتی نسبت به مشکلات و مسایل خانواده همسر ممانعت از یاری‌رسانی همسر به خانواده‌اش کینه‌توزی و دشمنی	پیامدهای شناختی	پیامدها بر روابط زوجین با خانواده همسر
بی‌اعتمادی نسبت به همسر تعمیم خصوصیات بد خانواده همسر به همسر مقصر پنداشتن همسر احساس بی‌علاقگی نسبت به همسر احساس عصبانیت نسبت به همسر ترس از طلاق و جدایی احساس شکست در زندگی زناشویی احساس بی‌وفایی از جانب همسر احساس ناراضی‌تمندی زناشویی مشاجره با همسر پرخاصگری با همسر کناره‌گیری و بی‌اعتنایی نسبت به همسر افسردگی اضطراب احساس حقارت احساس عصبانیت نسبت به خود احساس سردرگمی از دست رفتن آرامش و نشاط و شادابی از دست دادن اعتماد به نفس ضعف اعصاب بیماری‌های جسمی اختلال در خواب اختلال در خوراک	پیامدهای شناختی پیامدهای عاطفی پیامدهای رفتاری	پیامدها بر روابط زوجین
	پیامدهای روانی	پیامدها بر زندگی فردی هر یک از زوجین
	پیامدهای جسمی	

پیامدهای شناختی: «فکر می‌کنم همش تقصیر

شوهرمه... اونقدر بهش می‌گم هرچی می‌شه نرو به مامانت
بگو، اما باز کار خودشو می‌کنه».

پیامدهای عاطفی: «وقتی می‌بینم خونوادش اذیتم

می‌کنند و هیچی نمی‌گه واقعاً از دستش عصبانی می‌شم».

پیامدهای رفتاری: «گه بنارن خیلی با هم خوبیم،

ولی تا می‌ره خونه مامانشو برمی‌گرفته یه بهونه‌ای می‌گیره و شروع می‌کنه به جر و بحث کردن».

اختلاف بین زوجین و خانواده همسر کیفیت زندگی فردی هر کدام از زوجین را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث کاهش کارایی فرد و سلامت جسمی و روحی او می‌گردد.

«قبل از ازدواج هیچیم نبود... تو سه سالی که مجبور شده بودیم خونه پدر شوهرم بمونیم، ایتقدر اذیتم کردند و ایتقدر حرص خوردم که زخم معده گرفتم».

«ده سال تحملشون کردم و هیچی نگفتم... نتیجتش شد یه قلب علیل».

«فسرده شدم، اعتماد به نفسمو از دست دادم، فکر می‌کنم هر کاری بکنم آخر یه ایرادی می‌گیرن».

«ضعف اعصاب گرفتم از بس جنگ و دعوا داشتیم. دیگه تحمل کوچک‌ترین سر و صدا را هم ندارم».

بحث

برای داشتن هر رابطه سالم و دلنشینی، آگاهی نسبت به جنبه‌های مختلف آن ارتباط و عوامل ثبات‌بخش و عناصر ویران‌کننده آن لازم و ضروری می‌باشد و رابطه زوجین و خانواده همسر نیز از این قاعده مستثنی نیست. بر اساس نتایج تحقیق حاضر که با هدف شناسایی آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانواده همسر و بررسی تأثیر آن بر زندگی فردی و زناشویی زوجین انجام گرفت، آسیب‌هایی که باعث ایجاد اختلال در روابط زوجین و خانواده همسر می‌شود شامل «مرزبندی نادرست، انتظارات و توقات، تفاوت‌ها، وابستگی، عدم پذیرش عروس/ داماد، توزیع نامتوازن قدرت و روحیات اخلاقی ناپسند» بود (جدول ۱).

بسیاری از زوجین مداخلات خانواده همسر در زندگی زناشویی که در زمینه‌های گوناگونی مانند امور مالی و اقتصادی، امور تفریحی، شیوه همسر‌داری، شیوه فرزندپروری، محل زندگی و امور شخصی هر یک از زوجین همچون ظاهر، رفتار، گفتار و... صورت می‌گیرد را از عوامل اصلی اختلاف با خانواده همسر می‌دانستند. مرزبندی نامناسب با افزایش احتمال دخالت‌های خانواده همسر در زندگی زوجین و تحمیل

خواسته‌ها و نیازهای خود به زوجین و دخیل کردن آن‌ها در مشکلات و گرفتاری‌های خود، باعث ایجاد اختلال در روابط زوجین و خانواده همسر می‌شود. نتیجه به دست آمده با نتایج تحقیقات زارعی (۶) و رحمت‌الهی (۷) همخوانی داشت. تفاوت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی بین زوجین و خانواده همسر در مواردی مانند تفاوت در طبقه اقتصادی، تفاوت در دخل و خرج، تفاوت در نوع پوشش، گویش، رفتار، اعمال، گفتار، عادات غذایی، آداب و رسوم و سنت‌ها، عکس‌العمل‌ها، اعتقادات و باورها، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، نوع نگرش و جهان‌بینی، سبک ارتباطات، سبک زندگی و ساختار خانواده نمود پیدا کرد. چنانچه هر کدام از زوجین و خانواده همسر از قدرت سازگاری و انطباق لازم برخوردار نباشند، هر یک از این تفاوت‌ها می‌تواند با فراهم کردن موجبات تحقیر، تمسخر، سرزنش و بی‌احترامی، منشأ بروز اختلافات و درگیری‌های فراوان در روابط طرفین شود، عزت نفس فرد را از بین ببرد، شادابی فرد را زایل کند و نارضایتی از ارتباط زوجین و خانواده همسر را افزایش دهد.

در تحقیق حاضر وابستگی در سه زیرطبقه «مالی، عاطفی و فکری» دسته‌بندی گردید. وابستگی مادی به خانواده همسر سبب می‌شود توقعات و انتظارات خانواده همسر بیشتر شود و به خودشان حق بدهند که بیشتر و جسورانه‌تر در مسایل زندگی زناشویی فرد دخالت کنند و نظراتشان را به فرد و همسرش تحمیل نمایند و حتی گاهی زمینه سرزنش‌ها، تحقیر و توهین به زوجین را فراهم می‌کند. وابستگی عاطفی هر یک از زوجین به خانواده‌اش، باعث دوری هرچه بیشتر زوجین از یکدیگر و ایجاد سرخوردگی در روابط آن‌ها می‌شود. وابستگی فکری به خانواده همسر نیز جلوی رشد و شکوفایی زوجین را می‌گیرد، استقلال فکری آن‌ها را سلب می‌کند و باعث ناتوانی زوجین در مهارت حل مسأله و مقابله با مسایل و مشکلات زندگی فردی و زناشویی آن‌ها می‌شود. این نتایج با یافته‌های مطالعات نوایی‌نژاد (۸) و Haws و Mallinckrodt (۱۰) همسو بود.

انتظارات و توقعات، یکی دیگر از آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانواده همسر می‌باشد. زوجین این آسیب را با

مانند تهدید، قهر و طرد، ایجاد احساس گناه در زوجین و استفاده از عواطف آن‌ها، قدرت را در دست می‌گیرند و زوجین را وادار می‌کنند تا مطابق میل آن‌ها رفتار نمایند و گاهی عدم اعتماد به نفس، بی‌کفایتی و ناکارآمدی همسر، باعث سلطه خانواده همسر بر زندگی زوجین می‌شود که نتایج این توزیع نامتوازن قدرت، یعنی زورگویی، تحکم، جسارت، بی‌عدالتی و حتی گاهی ظلم و ستم خانواده همسر بر زوجین، هم روابط زوجین با خانواده همسر را مختل می‌کند و هم باعث اختلاف و درگیری زوجین با یکدیگر می‌گردد.

در تحقیق حاضر، پیامد آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانواده همسر در سه بعد «رابطه زوجین و خانواده همسر، رابطه زوجین با یکدیگر و زندگی فردی هر یک از زوجین» مورد بررسی قرار گرفت. آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانواده همسر ممکن است شناخت زوجین را تحت تأثیر قرار دهد و طبق نتیجه‌گیری همه یا هیچ، خانواده همسر بد مطلق تلقی شوند که فاقد هر گونه ویژگی‌های مثبتی هستند و در نتیجه، زوجین نسبت به آن‌ها بدبین و بدگمان می‌شوند، اعتماد خود را از دست می‌دهند و آن‌ها را به دید دشمنی نگاه می‌کنند که باید با تمام قدرت از خودشان در مقابل آن‌ها دفاع کنند. این شناخت‌ها عواطفی مانند خشم، نفرت و کینه‌توزی را به همراه خواهد داشت. عواطف منفی نسبت به خانواده همسر به دو صورت خودش را در رفتار زوجین نشان می‌دهد؛ یا زوجین رویه بی‌اعتنایی، کناره‌گیری و قطع ارتباط را در پیش می‌گیرند و یا فعالانه به مقابله به مثل با خانواده همسر می‌پردازند. غیبت، بدگویی، پرخاشگری، توهین، تحقیر، لج و لجبازی، مشاجرات لفظی و درگیری‌های فیزیکی نمونه‌ای از مقابله به مثل زوجین با خانواده همسر می‌باشد. آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانواده همسر در بعد زندگی زناشویی زوجین نیز شناخت، عواطف و رفتار زوجین نسبت به یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زوجین از لحاظ شناختی ممکن است علاوه بر خانواده همسر، همسر خود را هم مقصر بدانند و همان نتیجه‌گیری را که در مورد خانواده همسر دارند، به همسرشان نیز تعمیم دهند و همه ویژگی‌های منفی خانواده همسرشان را به همسرشان نیز نسبت بدهند. این شناخت‌های ناقص، سبب بروز عواطف منفی مانند احساس بی‌وفایی از طرف همسر، احساس

جملاتی همچون انتظارات مالی نابجا، انتظار نظرخواهی از خانواده همسر در همه تصمیم‌گیری‌ها، انتظار تأیید و اجرای راهنمایی‌های خانواده همسر، انتظار توجه و مراقبت بیش از حد از خانواده همسر و انتظار پشتیبانی و حمایت در همه مشکلات خانواده همسر، ابراز نمودند. انتظارات و توقعات برآورده نشده خانواده همسر می‌تواند منشأ دلخوری، خشم و کینه‌توزی آن‌ها نسبت به زوجین شود و از طرف دیگر، حتی اگر این انتظارات و توقعات نابجا از طرف زوجین برآورده شود، باز هم می‌تواند باعث کدر شدن روابط زوجین و خانواده همسر شود؛ چرا که با میل و رضایت زوجین همراه نیست و این عدم رضایت فروخورده، در نهایت یک روز خود را به شدیدترین صورت نشان می‌دهد.

عدم پذیرش داماد/عروس نیز یکی از آسیب‌هایی است که حتی قبل از ازدواج زوجین در روابط زوجین و خانواده همسر اختلال ایجاد می‌کند. خانواده‌ای که با ازدواج فرزندش با فردی که خود او در نظر گرفته است، موافق نیست یا شخص دیگری را برای ازدواج با فرزندش در نظر گرفته است، نه تنها نمی‌تواند عروس/داماد را در جمع خانواده خود بپذیرد، به او محبت کند و او را مورد حمایت خود قرار دهد، بلکه ممکن است همه سعی و تلاش خود را به کار گیرد تا باعث جدایی زوجین شود. بدین ترتیب عدم پذیرش عروس/داماد از طرف خانواده همسر، می‌تواند موجب بدرفتاری آن‌ها با عروس/داماد و محرومیت زوجین از حمایت‌های عاطفی و اجتماعی خانواده همسر شود.

روحیات ناپسند اخلاقی، حسادت، عداوت و کینه‌توزی که خود را در بدرفتاری‌هایی همچون توهین، تحقیر، استهزا، سرزنش، غیبت، بدگویی و ایجاد اختلاف در روابط زوجین نشان می‌دهد، می‌تواند روابط زوجین و خانواده همسر را به میدان جنگی تبدیل کند که هر دو طرف بازنده خواهند بود و غیر از افزایش هرچه بیشتر تنش‌ها و ناراحتی‌های جسمی و روحی، چیزی عایدشان نمی‌شود. این یافته با نتایج پژوهش نوایی‌نژاد (۸) مطابقت داشت.

یکی دیگر از آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانواده همسر، توزیع نامتوازن قدرت بود. گاهی خانواده همسر با راهکارهایی

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت ارتباط مناسب بین زوجین و خانواده همسر و تأثیر آن بر سلامت خانواده‌ها و جامعه، پیشنهاد می‌شود تحقیقات بیشتری در جهت یافتن راهکارهایی برای پیشگیری از بروز آسیب‌های تعاملی زوجین و خانواده همسر و رفع پیامدهای ناخوشایند آن برای خانواده‌ها صورت گیرد. همچنین، بهتر است نهادهای مشاوره‌ای و فرهنگی با برگزاری دوره‌های آموزشی برای زوجین و خانواده همسر و دختران و پسرانی که قصد ازدواج دارند، به آشنایی هرچه بیشتر آن‌ها با آسیب‌های ارتباط زوجین و خانواده همسر و پیشگیری و رفع این آسیب‌ها کمک نمایند.

از آن‌جا که تحقیق حاضر اولین پژوهش در زمینه ارتباط زوجین و خانواده همسر بود، کمبود منابع نظری و پژوهشی درباره موضوع تحقیق، یکی از محدودیت‌های آن به شمار می‌رود. همچنین، با توجه به این که تحقیق در شهر اصفهان انجام گرفت، در تعمیم نتایج به شهرهای دیگر باید شباهت‌های فرهنگی را مد نظر قرار داد.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله نویسندگان از راهنمایی‌ها و زحمات استادان و کلیه افرادی که در این تحقیق همکاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آورند.

تنهایی و بی‌پناهی، خشم و عصبانیت نسبت به همسر و یا احساس بی‌علاقگی نسبت به همسر می‌شود. عواطف منفی منجر به بروز رفتارهای ناخوشایندی همچون کناره‌گیری از همسر و یا خشم، پرخاشگری و بی‌احترامی زوجین نسبت به یکدیگر می‌شود که سازگاری زوجین را کاهش و نارضایتی زناشویی را افزایش می‌دهد. نتایج تحقیق براننده و همکاران نشان داد که ادراک و برداشت‌های ذهنی مطلوب و خوشایند نسبت به همسر و رفتارهای محبت‌آمیز زوجین نسبت به یکدیگر، رضایتمندی زناشویی را افزایش می‌دهد (۱۴) که با نتایج تحقیق حاضر مشابهت داشت.

آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانواده همسر در بعد زندگی فردی زوجین، شرایط جسمی و روحی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این آسیب‌ها باعث می‌شود زوجین از لحاظ روانی و عاطفی، احساساتی مانند خشم، غم، افسردگی، احساس تنهایی، بی‌پناهی، حقارت، تزلزل اعتماد به نفس و از دست دادن شادابی و میل به زندگی را تجربه نمایند. بسیاری از زوجین نیز اختلافات خود با خانواده همسر را علل بسیاری از بیماری‌های جسمی خود همچون سردرد، اختلال در فشار خون، ضعف اعصاب، معده درد و بیماری قلبی می‌دانستند. بدین ترتیب، روح و روان آزرده فرد، جسم او را هم درگیر می‌کند و از کارایی جسمی فرد می‌کاهد که این عامل باعث تشدید ناراحتی‌های روحی می‌شود و سبب می‌شود این چرخه به طور مرتب تکرار شود و فرد هر روز ضعیف و ضعیف‌تر گردد.

References

1. Imani M. Relationships with Family in Law. Tehran, Iran: Payamresan Publications; 2009. [In Persian].
2. Prochaska JO, Norcross JC. Systems of psychotherapy: A transtheoretical analysis. Pacific Grove, CA: Thomson/Brooks/Cole; 2007.
3. Goldenberg I, Goldenberg H. Family therapy: An overview. 5th ed. Boston, MA: Wadsworth Publishing Company; 2000.
4. Hoseini M. Family therapy, theories & techniques of family therapy. Tehran, Iran: Roshd Publications; 2011. [In Persian].
5. Moltafet H. Effectiveness factors of divorce tendency in Darab [Thesis]. Shiraz, Iran: Shiraze University; 2002. [In Persian].
6. Zarei H. Predictors of divorce [PhD Thesis]. Isfahan, Iran: University of Isfahan; 2012. [In Persian].
7. Rahmatalahi F. Pathology of marital life in Esfahan [Thesis]. Isfahan, Iran: University of Isfahan; 2006. [In Persian].
8. Navabi Nejzad S. Counseling of marriage & family therapy. Tehran, Iran: Parent-Teacher Association of Islamic Republic of Iran; 2000. [In Persian].

9. Umberson D. Marriage as support or strain? Marital quality following the death of a parent. *J Marriage Fam* 1995; 57(3): 709-23.
10. Haws WA, Mallinckrodt B. Separation-individuation from family of origin and marital adjustment of recently married couples. *Am J Fam Ther* 1998; 26(4): 293-306.
11. Tabatabaei J, Alsadat S. Divorce and social effectiveness factors of divorce in Birjand [Thesis]. Tehran, Iran: Shahid Beheshti University; 2004. [In Persian].
12. Riahi ME, Aliverdinia A, Bahrami Kakavand S. A sociological analysis of tendency towards divorce. *Women in Development & Politics* 2007; 5(3): 109-40. [In Persian].
13. Zargar F, Neshatdoust HT. Divorce incidence factors in Falavarjan Township. *Journal of Family Research* 2007; 3(11): 737-49. [In Persian].
14. Barazandeh H, Sahebi A, Amin Yazdi A, Mahram B. The relationship between marital adjustment and relationship standards. *Developmental Psychology (Journal of Iranian Psychologists)* 2006; 2(8): 319-30. [In Persian].

Pathology of Couples and In-law Family Interactions: A Qualitative Study

Simin Ghasemi¹, Ozra Etemadi², Sayyed Ahmad Ahmadi³

Original Article

Abstract

Introduction: The aim of this study was to explore the pathologies of interaction between couples and the in-law family.

Method: This was a qualitative study and included 14 women and 13 men selected through purposive sampling. Data were collected through semi-structured interview and analyzed using conventional content analysis strategy.

Results: Interactional pathologies between couples and the in-law family were wrong boundary, differences, dependence, expectations, uneven distribution of power, rejection of bride/groom, and unpleasant manners. Also emotional, cognitive and behavioral results of interactional pathologies between couples and their in-law family could affect the relationship between couples and their in-laws, the couple's relationship with each other, and the personal life of each couple, and cause physical and mental disorders in couples.

Conclusion: Improving couples and family relations can help to stabilize the relationship between the couple and their in-law family, and increase marital satisfaction and promote the health of the community.

Keywords: Interactional pathologies, Couples, In-law family

Citation: Ghasemi S, Etemadi O, Ahmadi SA. **Pathology of Couples and In-law Family Interactions: A Qualitative Study.** J Qual Res Health Sci 2016; 5(3): 250-62.

Received date: 09.11.2015

Accept date: 22.04.2016

1- PhD Student, Department of Counseling, School of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

2- Associate Professor, Department of Counseling, School of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

3- Professor, Department of Counseling, School of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Corresponding Author: Simin Ghasemi, Email: ghasemi.s77@gmail.com